

The Role of the Foroughi Family in Disseminating and Promoting French Culture in Contemporary Iran

Nasrollah Salehi¹

Abstract

The Foroughi family held a distinguished and enduring position in the fields of culture, knowledge, and politics in 19th and 20th century Iran. Foroughi played a significant role in laying the groundwork for the Constitutional Revolution through the publication of the newspaper Tarbiyat over the course of a decade. In this newspaper, the names and works of prominent French thinkers, intellectuals, and writers were introduced to Iranians for the first time. Foroughi's sons, Mohammad-Ali and Abolhassan, also made significant contributions to the promotion of knowledge and culture. Mohammad-Ali created lasting works, including his "History of Philosophy in Europe," which, along with some of his other writings, was influenced by the ideas of French philosophers. Abolhassan played a key role in shaping modern education in Iran through the establishment of the Darolmoallem-e Markazi (Central Teacher Training College) in 1918, where French teachers taught alongside Iranian educators. Mohammad-Ali Foroughi's children, particularly Mohsen Foroughi, also contributed significantly to disseminating and promoting French culture in Iran. Reflecting on Iran's backwardness in relation to modern civilization, the Foroughis sought ways to advance and modernize the country. They worked diligently to influence the spread of new culture and civilization in Iran, as they regarded France as the cradle of modern science and culture, and were deeply attached to it. Through various means, they sought to expand and promote French culture in Iran. This essay aims to explore the issue of Iran's backwardness from the perspective of the Foroughi family and examines their contributions to the development of a new culture and civilization in Iran through a descriptive-analytical approach.

Keywords: Foroughi Family, Mohammad Hassan Foroughi, Mohammad Ali Foroughi, Mohsen Foroughi, French Culture.

1. Associate Professor, Department of History, Farhangian University, Tehran, Iran
n.salehi@cfu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۰۲

دوره: ۱۶، شماره: ۴۴

پاییز ۱۴۰۴

صفحات: ۲۹-۵۴

تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام



DOI: 10.22034/jiiph.2025.66585.2566

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

نقش خاندان فروغی در نشر فرهنگ فرانسه در ایران معاصر

نصراله صالحی^۱

چکیده

خاندان فروغی از دوران ناصری تا دوره محمد رضا شاه، در عرصه فرهنگ، دانش و سیاست، جایگاه ممتاز و ماندگاری داشته است. ذکاءالملک فروغی با انتشار یک دهه روزنامه تربیت، تأثیر زیادی در فراهم شدن مقدمات نهضت مشروطیت ایفا کرد. در این روزنامه، نخستین بار نام و آثار متفکران، اندیشمندان و نویسندگان بزرگ فرانسه به ایرانیان معرفی شد. فرزندان فروغی، محمدعلی و ابوالحسن نیز در زمینه ترویج دانش و فرهنگ جدید تأثیر بسزایی داشتند. محمدعلی آثار ماندگاری خلق کرد. سیر حکمت در اروپا و برخی آثار دیگر او تحت تأثیر اندیشه‌های فیلسوفان فرانسوی شکل گرفت. ابوالحسن با تأسیس دارالمعلمین مرکزی (۱۲۹۷ش.) نقش مؤثری در شکل‌گیری تعلیم و تربیت نوین در ایران داشت. در این نهاد آموزشی در کنار معلمان ایرانی، معلمان فرانسوی نیز تدریس می‌کردند. فرزندان محمدعلی فروغی، به‌ویژه محسن فروغی، سهم مهمی در نشر و ترویج فرهنگ فرانسه در ایران داشتند. فروغی‌ها با تأمل در عقب‌ماندگی ایران از غافله تمدن جدید، در فکر یافتن راهی برای ترقی و تجدد ایران بودند. آن‌ها به سهم خود کوشیدند تا در نشر فرهنگ و مدنیت جدید در ایران اثرگذار باشند. فروغی‌ها چون فرانسه را مهد علم و تمدن جدید می‌دانستند و سخت دل‌بسته آن بودند، می‌کوشید از راه‌های مختلف به نشر و گسترش فرهنگ فرانسه در ایران بپردازند. جستار حاضر می‌کوشد مسئله عقب‌ماندگی ایران از دید خاندان فروغی را تبیین کند و دستاوردهای این خاندان در گسترش فرهنگ و تمدن جدید در ایران را به روش توصیفی-تحلیلی بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: خاندان فروغی، محمدحسن فروغی، محمدعلی فروغی، محسن فروغی، فرهنگ فرانسه.

n.salehi@cfu.ac.ir

۱. دانشیار گروه آموزشی تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران





«... در واقع ملت باتریت فرانسه، در همه کار و صنعت و هنر، گوی سبقت از همگنان ربوده، از دیگران هنر خود را گذرانیده‌اند [...] پاریس معدن علم است [و] [هنر، نه علم و هنر بی‌ثمر؛ پاریس کارخانه آدم‌سازی است که حیوان را می‌شود تربیت نمود چه رسد به انسان»

سفرنامه تحف اهل بخارا، ص ۱۲۲

«در ایران فرهنگ بارور فرانسه مهم‌ترین منبع الهام‌بخش دانش و فکر و ادبیات و تعقل اجتماعی و سیاسی جدید بود.»

مقدمه آدمیت بر کارنامه فرهنگی...، ص ۸

مقدمه

درباره فروغی‌ها پژوهش‌های مختلفی به صورت کتاب و مقاله منتشر شده‌است. برخی از این آثار، کم‌وبیش مستند به آثار آن‌هاست. تا زمانی که آثار منتشرنشده این خاندان اهل قلم و سیاست انتشار می‌یابد، می‌توان پژوهش‌های پیشین را بازنگری کرد و آن‌ها را تکمیل و بسط داد تا تصویر بهتری از زندگی و زمانه فروغی‌ها به دست آورد. در سال‌های اخیر، چند جلد از خاطرات و یادداشت‌های روزانه و خصوصی محمدعلی فروغی به کوشش ایرج افشار (و یا به خواستاری او) انتشار یافت و نکات تازه‌ای از زندگی او و خاندانش روشن شد. درباره نقش خاندان فروغی در نشر و بسط فرهنگ فرانسه در ایران کار مستقلی صورت نگرفته‌است. مقاله حاضر بیشتر مستند به خاطرات، یادداشت‌ها و نامه‌های تازه‌انتشاریافته محمدعلی فروغی است. اگر آثار مذکور انتشار نمی‌یافت، امکان نوشتن جُستار حاضر فراهم نمی‌شد. با این حال، هنوز آثار و یادداشت‌های زیادی از فروغی منتشر نشده‌است. با انتشار آن‌ها، بازبینی و تکمیل نوشته‌هایی از این دست فراهم خواهد شد. شناخت تاریخ فرهنگی ایران دوره معاصر، در گرو مطالعه زندگی، آثار و نقش رجال و خاندان‌های اهل قلم و سیاست نظیر فروغی‌هاست. جایگاه مرحوم ایرج افشار در معرفی و انتشار آثار محمدعلی فروغی، به‌ویژه شناساندن نقش فروغی‌ها در تحولات سیاسی و فرهنگی ایران بی‌بدیل و ماندگار است.

خاندان فروغی با دل‌بستگی عمیق به ایران، عقب‌ماندگی این سرزمین از غافلۀ علم و تمدن جدید را برنتافت، در اندیشه برون‌رفت از آن برآمد. چون فرانسه را مهد علم و تمدن جدید یافت، سخت دل‌بسته آن شد و کوشید از راه‌های مختلف به نشر و گسترش فرهنگ فرانسه در ایران بپردازد. جستار حاضر می‌کوشد مسئله عقب‌ماندگی ایران از دید خاندان فروغی را تبیین کند و دستاوردهای این خاندان در نشر فرهنگ فرانسه برای نیل به ترقی و تجدد در ایران را بررسی و تحلیل کند.

خاندان فروغی

خاندان فروغی به‌عنوان یکی از خاندان‌های حکومتگر در ایران معاصر، در دهه‌های متمادی از دوران ناصری تا دوره محمدرضا شاه، در عرصه دانش و سیاست، دارای جایگاه ممتازی بود. مورخین، پیشینه این خاندان را تا حاج ملّا مؤمن اصفهانی که هم‌روزگار شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲/۱۶۲۵-۱۶۴۳) بود، شناسانده‌اند. این خاندان پشت‌درپشت از بازرگانان اهل فضل اصفهان بودند. میرزا کوچک یکی از اعضای نمایندگان اصفهان بود که در ۱۷۳۶/۱۱۴۸ در مراسم تاج‌گذاری نادرشاه حضور داشتند. یکی از نوادگان او، آقا محمدمهدی ارباب (۱۲۳۳-۱۳۱۴/۱۸۱۸-۱۸۹۷)، است. وی «هرچند در سلک تجارت بود، ولی در فضل و علم مقامی عالی» داشت و آثاری در زمینه تاریخ، جغرافیا و هیئت از خود باقی گذاشت. وی در سال ۱۲۶۸ قمری راهی هندوستان شد و در طول هفده سال اقامت در هند با «فضای انگلیسی حشر داشته از معلومات جدیدۀ علمی و سیاسی نیز بهره کامل حاصل کرده و چون به اصفهان برگشت [۱۲۷۳ق]، آن معلومات را اظهار و اشاعه» داد (صو/سر/قیل، ۲۹ ش ۱۵، ص ۴، رمضان ۱۳۲۵). محمدمهدی ارباب که بعد از بازگشت تمام عزم خود را صرف ترقی علم و فرهنگ نمود، خطاب به فرزندش می‌گفت: «بدان که ما از بابت فرهنگ، خیلی عقب هستیم و باید کوشش کرد که از قافله علم عقب نمانیم.» (نجم‌آبادی، ۱۳۷۲: ۵۸).^۱ وی هیئت جدید را به ایران آورد. شاهنامه را در هندوستان چاپ نمود. کتابی در تاریخ و جغرافیای اصفهان به نام نصف جهان تألیف کرد. تاریخ و صاف را

۱. نجم‌آبادی می‌نویسد: محمدعلی می‌گفت: «پدرم سه سال موضوع بالا یعنی عقب‌افتادگی کشور را از قافله علم برای روشنفکران آن دوران توضیح می‌داد» (همان: ۵۹).



تصحیح و آن را در ۱۲۶۹ قمری در شهر بمبئی منتشر کرد (همان، ۶۲). عهدنامه مالک اشتر نخعی که از نامه‌های معروف حضرت امیرالمؤمنین (ع) دربارهٔ روش حکومت‌داری است را با عنوان دستور حکومت به فارسی ترجمه کرد.^۱ وی از نخستین کسانی است که کوشید ایرانیان را با مسائل جدید و دست‌آوردهای علمی مغرب‌زمین آشنا سازد (پهلوان، ۱۳۸۲: ۹۷؛ افشار، ۱۳۵۴: ۲۸).

خاندان فروغی یعنی فرزندان و نوادگان محمدمهدی ارباب، همگی در عرصه‌های علمی و سیاسی نقش و تأثیر ماندگار داشته‌اند. باین‌همه، در این نوشتار تنها به نقش آن‌ها در نشر فرهنگ فرانسه در ایران دورهٔ معاصر پرداخته شده‌است. نخستین فرد از این خاندان که چنین نقشی داشت، میرزا محمدحسین، متخلص به ادیب و ملقب به فروغی و ذکاءالملک و معروف به میرزای فروغی (۱۲۵۵-۱۳۲۵/۱۸۴۰-۱۹۰۸) است. وی از شاعران دربار ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳/۱۸۴۸-۱۸۹۶) بود. تخلص فروغی را شاه به او داد. فروغی از طریق دوست و همکارش، اعتمادالسلطنه، نخستین سمت دولتی‌اش را در دارالترجمهٔ وزارت انطباعات به دست آورد. اعتمادالسلطنه در فاصلهٔ سال‌های ۱۲۸۰/۱۸۶۴ تا ۱۲۸۴/۱۸۶۸ در مدرسهٔ «وردو» و «لوی لوگراند» پاریس تحصیل کرد و با فرهنگ و تمدن فرانسه به‌خوبی آشنا شد. همو بود که بعد از بازگشت به ایران در نشر و گسترش برخی مظاهر تمدن فرنگی در ایران کوشید. او به‌عنوان معلم زبان فرانسهٔ ناصرالدین‌شاه، روزهایی از هفته را صرف خواندن روزنامه‌های فرانسه برای شاه می‌کرد. فروغی زیر نظر چنین شخصیتی به‌صورت غیرمستقیم تحت‌تأثیر فرهنگ فرانسه قرار گرفت تا جایی که خود در سن چهل‌سالگی به‌صورت جدی شروع به یادگیری زبان فرانسه کرد، او زبان فرانسه را «کلید علوم جدید» می‌دانست (فروغی، ۱۳۸۷: ۹/۱؛ فروغی، ۱۳۹۶: ۳۲).

علاوه بر اعتمادالسلطنه، میرزا ملکم خان نیز که سابقهٔ تحصیل در فرانسه را داشت، در شخصیت فروغی تأثیر گذاشت (بامداد، ۱۳۵۷: ۳/۳۸۷-۳۸۵).^۲ فروغی سال‌های متمادی با

۱. این اثر در ۸۴ صفحه به‌صورت چاپ سنگی منتشر شده‌است. ابتدا ترجمهٔ فارسی و سپس متن عربی آن آمده‌است. متن کامل آن از طریق سایت کتابخانهٔ ملی قابل‌بارگذاری است.

۲. همفکری و هم‌مسئله‌ی فروغی با ملکم موجب گرفتاری او در ۱۳۰۸ شد (همان).

اعتمادالسلطنه در کار نشر مطبوعات همکاری نمود. وی به‌عنوان مدیر دارالترجمه و دارالطباعة دولتی و مترجم عربی و فرانسه تجارب ارزشمندی کسب کرد (همان، ۳/۳۸۵).

پس از به قدرت رسیدن مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴ق) منورالفکران دریافتند محیط سیاسی کشور بعد از نیم‌قرن حاکمیت ناصرالدین‌شاه تا حد زیادی تغییر کرده و شرایط برای نشر افکار و اشاعة اندیشه و «بسط و توسعه معارف» تا حدی فراهم شده‌است. از این‌رو، دست‌به‌کار تأسیس نهادهای آموزشی و فرهنگی شدند. فروغی در این زمینه نقش بارزی داشت. وی با راه‌اندازی روزنامه «تربیت» و تلاش پایدار برای انتشار آن در طول یک دهه خدمات شایسته‌ای در گسترش فرهنگ و معارف جدید انجام داد. *صوراسرافیل*، *روزنامه تربیت* را «اول روزنامه آزادی» دانست و نوشت: «هنر بزرگ او همین است که چیزهایی را که در زمان استبداد کسی یارای گفتن نداشت، به قدرت قلم و پرده و حجاب انشاء و ادب چنان می‌گفت که اسباب ایراد نمی‌شد...» (*صوراسرافیل*، ش ۱۵، ۲۹ رمضان ۱۳۲۵، ۵).

صوراسرافیل در یادداشتی که به مناسبت درگذشت فروغی با عنوان «فاجعه ادبی» منتشر کرد، از هفتاد سال خدمات فرهنگی و ادبی فروغی به ایران ستایش کرد و نوشت: «اهالی اروپ در مدت حیات او داد حق‌شناسی دادند و در جراید و اوراق خود مکرر آن وجود محترم را به هم‌وطنان خود معرفی کرده تصویر و شرح‌حال او را اشاعه دادند و بالاخره فرانسویان، مرحوم معظم را به ویکتور هوگوی شرق ملقب داشتند». (*صوراسرافیل*، ش ۱۵، ۲۹ رمضان ۱۳۲۵، ۵).

ذکاءالملک فروغی و انتشار تراجم احوال حکمای فرانسه در روزنامه تربیت

نخستین شماره *روزنامه تربیت* در ۱۱ رجب ۱۳۱۴/۱۶ دسامبر ۱۸۹۶ از چاپ درآمد. انتشار آن نه سال ادامه یافت. در این سال‌ها، ۴۳۴ شماره منتشر شد و با انتشار آخرین شماره در ۲۹ محرم ۱۳۲۵/۱۴ مارس ۱۹۰۷ برای همیشه تعطیل شد. در شماره‌های مختلف تربیت مطالب متعدد و متنوعی در ربط با فرانسه انتشار یافت. از ترجمه اخبار روزنامه‌های فرانسه و اعلان فروش کتاب‌هایی به زبان فرانسه تا انتشار اخبار کشفیات باستان‌شناسان فرانسه در شوش، نظیر مسیو کنت و دمرگان، اما آنچه در این روزنامه بسیار بارز و چشمگیر است



اهتمام جدی به انتشار تراجم احوال حکما و دانشمندان خارجه به‌ویژه فرانسه است.^۱ چنین سعی و تلاشی بی‌شک به این باور فروغی که فرهنگ و تمدن فرانسه را برتر و شایسته‌الگوپذیری می‌دانست برمی‌گردد. تلاش او در *روزنامه تربیت* مصروف بیدار کردن و تربیت افکار مردم بود. از این‌رو، ترجمه احوال و نشر افکار حکما و اندیشمندان فرنگی به‌ویژه فرانسه را برای بیداری افکار مردم مؤثر می‌دانست.

فروغی درست در همان شماره نخست تربیت به نشر مطالبی درباره «حکمای بزرگ فرنگ» پرداخت و از مسیو پاستر (پاستور) و خدمات او برای درمان بیماری طاعون سخن گفت. از شماره ۲ تا ۱۰ شرح حال مخترع چاپ، گوتنبرگ، را آورده و در شماره سوم برای برشمردن اسامی دانشمندان فرنگ که نور علمشان شرق و غرب عالم را گرفته به روایت خوابی مجازی از دوستی پرداخته که در آن خواب ستاره پرفروغ مشتری را دیده که از مغرب طلوع کرده، در عجب شده و پرسیده «ستاره‌ها پیش از این از مشرق طلوع می‌کردند، حقیقتاً حالا کارها وارونه شده و طالع‌ها باژگونه گشته فروزنده‌ها از مغرب بیرون می‌آیند و از آن سو چهره می‌نمایند...» گفتم اخوی این لامع ساطع که تو را این‌طور مبهوت ساخته کیست و چیست؟» گفت: وای بر تو، کپرنیک است! و امثال او کم نیست. برخی از ستاره‌های دیگر از این قرارند: کپلر، نیوتن، گوتنبرگ، کریستف کلمب، دکارت، شکسپیر، پاسکال، مادام دُسویینه، بوال، پاپن، فینلن، ...، ولتر، فرانکلین، بُوفن، رسوس، برناردن دسن پیر، لاوازیه، پاستر (پاستور)، ویکتور هوگو، فلامارین. گفتم این‌قدر هم عالم و فاضل و حکیم و ادیب و شاعر می‌شود؟ گفت: من معدودی از مشاهیر را برای تو نام بردم. اگر همه را می‌گفتم امشب تمام نمی‌شد. من از غیرت و رشک نزدیک بود هلاک شوم. فریاد برآورده گفتم: پس ما در این آسمان به این وسعت یک ستاره نداریم. باین‌حال چرا خود را از زنده‌ها می‌شماریم؟ گفت: باین‌همه از سابقه نومید مشو» (تربیت، ش ۲، ۲۵ رجب ۱۳۱۴، ۱۱-۱۲).

روزنامه تربیت از شماره ۵ تا ۲۸ شروع به ترجمه و انتشار مطالبی با عنوان «تاریخ سیارات» می‌کند. مترجم در مقدمه این رشته مطالب می‌نویسد: در دارالملک معالی فرانسه یعنی پاریس پنج آکادمی وجود دارد که اعضای هر یک از فضایی بزرگ نخبه هستند. مقاله

۱. در پاورقی شماره ۱۷ ص ۶۵ به علت درج چنین پاورقی اشاره شده است.

«تاریخ سیارات» توسط مسیو ژانسن که یکی از اعضای آکادمی مزبور است، در حضور اعضا قرائت و در روزنامه‌های معتبر منتشر شده است (تربیت، ش ۵، ۱۰ شعبان ۱۳۱۴، ۱۹-۲۰).^۱

روزنامه تربیت از شماره ۱۰ تا ۱۶ به درج مقاله نواب عبدالله میرزا عکاس مخصوص می‌پردازد. این شرح حال درست بعد از پایان شرح حال گوتنبرگ و در ادامه آن منتشر می‌شود. نویسنده در مقدمه مقاله اشاره می‌کند که بعد از تحصیل در دارالفنون به تشویق معیرالممالک به فرنگ رفته و یک سال و نیم در پاریس مشغول تحصیل علم عکاسی شده و سپس برای تکمیل این علم در چند شهر دیگر فرنگ نیز تحصیل کرده است (تربیت، ش ۱۱، ۲۲ رمضان ۱۳۱۴، ۴۲-۴۳).

روزنامه تربیت با نیت نشان دادن سابقه مشرق‌زمین در تمدن، در شماره ۱۵ اقدام به معرفی کتاب مسیو دمرگان با عنوان «مأموریت و سیاحت علمی قفقاز» کرده و باز در همین شماره به طرح نظرات ارنست رنان درباره نسبت مسلمانان با علم و تربیت کرده و جایگاه ایرانیان را در این زمینه، در میان دیگر ملل مسلمان ممتاز دانسته است (تربیت، ش ۱۵، ۲۱ شوال ۱۳۱۴، ۵۷-۶۰). روزنامه تربیت از شماره ۱۴ مقاله‌ای با عنوان «استعداد علمی ایران» (تربیت، ش ۱۴، ۱۴ شوال ۱۳۱۴، ۵۵-۵۶) و از شماره ۱۶ با عنوان «استعداد صنعتی اهل ایران» (تربیت، ش ۱۶، ۲۸ شوال ۱۳۱۴، ۶۱-۶۴) منتشر کرده است. انتشار چنین مطالبی بی‌شک تحت تأثیر نوشته‌های دانشمندان فرانسه نظیر دمرگان، رنان و دیولافوا بوده است. چنان‌که در شماره ۱۷ به معرفی یافته‌های مادام دیولافوا و همسرش در کاوش‌های شوش پرداخته می‌نویسد: «هرکس روزنامه‌های تور دومند پاریس را که مشتمل بر شرح مسافرت دیولافوا و نگارش مادام دیولافوا می‌باشد و کتاب مخصوص تألیف همان زن و مرد را ... دیده و خوانده می‌داند چه عرض می‌کنم... بعد از آنکه اشیاء عتیقه خرابه‌های سوس [شوش] را به پاریس بردند و در موزه لوور آن پایتخت گذاشتند جز مرده‌های دوران سلاطین کیان و پادشاهان عظیم‌الشأن ما آن موزه چنان کامل نمود که از تمام موزه‌های فرنگ گوی سبقت ربوده و امروز موزه لوور پاریس اول موزه دنیاست...» (تربیت، ش ۱۷، ۵ ذی‌قعدة ۱۳۱۴، ۶۵-۶۶).

۱. نویسنده مشخصات هریک از آکادمی‌ها را آورده است.

روزنامه تربیت در شماره ۳۷ به انتشار مقاله‌ای با عنوان «اثر وزارت کبر در سلطنت لوئی کاترز (لوئی چهارده)» به تفصیل از اقدامات مؤثر و سازنده کبر سخن به میان آورده و بر نقش «یک نفر وزیر کامل قابل برای دولت و ملت» تأکید کرده‌است. هدف از انتشار این مقاله تبریک به مظفرالدین شاه به مناسبت برکناری امین‌السلطان و انتخاب امین‌الدوله به مقام صدارت است (تربیت، ش ۳۷، ۶ ربیع‌الاول ۱۳۱۵، ۱۴۵-۱۴۷). چنین جهت‌گیری‌هایی در روزنامه تربیت، حاکی از عمق گرایش فروغی به تاریخ و فرهنگ فرانسه است. فروغی تقریباً در بیشتر شماره‌های تربیت به نوعی و به مناسبتی به فرهنگ و مدنیت فرانسه گریزی زده‌است.

فروغی در شماره ۵۵ در نوشتاری از ترقی و تنزل ملت‌ها سخن به میان آورده و به بیان تاریخ مختصر فرانسه به عنوان یکی از دولت‌های معظم پرداخته‌است. وی می‌نویسد: «از پنج شش دولت که امروز در تمام دنیا آن‌ها را به وصف عظمت می‌ستایند و بیرق‌های هر یک را در بر و بحر قدیم و جدید به درستی احترام می‌نمایند یکی فرانسه است و به قول فرنگی‌ها ما مردم ایران چون فرانسه‌های آسیا و مشرق زمین هستیم آن قوم را بهتر می‌شناسیم، لهذا چند کلمه از گذشته دولت فرانسه و طلوع اختر سعادت آن ملت بگویم» (تربیت، ش ۵۵، ۵ شعبان ۱۳۱۵، ۲۱۷-۲۲۰).

فروغی از شماره ۶۶ اقدام به انتشار شرح حال حکما و دانشمندان فرانسه می‌کند. نیت او این است که دانسته شود «سربلندان جهان چه کرده‌اند که به رفعت و سعادت رسیده‌اند.» (تربیت، ش ۶۶، ۲۴ شوال ۱۳۱۵، ۲۶۲) از شرح حال بُوفُن آغاز می‌کند و از شماره ۶۶ تا ۸۲ ادامه می‌دهد. از شماره ۸۱ تا ۸۸ شرح حال یکی دیگر از حکمای فرانسه به نام برنار پالیسی در پاورقی تربیت انتشار می‌یابد. از شماره ۸۸ تا ۹۶ شرح حال مسیو پاستر (پاستور) منتشر می‌شود. از شماره ۹۶ تا ۱۰۲ شرح حال دنی پاپن انتشار می‌یابد. از شماره ۱۰۲ تا ۱۰۹ شرح حال حکیم ایتالیایی، گاليله، منتشر می‌شود. از شماره ۱۰۹ تا ۱۱۳ شرح حال دانشمند انگلیسی، نیوتن، منتشر می‌شود. از شماره ۱۱۴ تا ۱۱۸ شرح حال یکی دیگر از دانشمندان فرانسه، فرانسوا آراگ، منتشر می‌شود. از شماره ۱۳۱ تا ۱۶۳ به ترجمه و انتشار کتاب معروف ژول ورن به نام دور دنیا در هشتاد روز می‌پردازد. البته پیشتر در شماره ۴۲ این کتاب را

معرفی کرده و اهمیت آن را بیان نموده بود.

روزنامه تربیت در شماره ۲۲۰ به معرفی روزنامه فرانک پرسیان چاپ پاریس پرداخته و از شماره‌های بعدی به صورت مستمر مطالبی از این روزنامه را ترجمه و نقل کرده‌است. تربیت از شماره ۳۱۶ مقاله‌ای با عنوان «برخی مقالات دانشمند فرانسوی» را منتشر کرده‌است. در شماره ۳۲۰ مابقی گفتار مسیو هنییک درباره خدمات فرانسویان به شرق‌شناسی به‌ویژه ایران‌شناسی ترجمه و منتشر شده‌است. فروغی در آخرین سال و در آخرین شماره‌های تربیت که یک سال بعد از مشروطه منتشر شد (۴۳۱، محرم ۱۳۲۵/مارس ۱۳۲۵)، مقاله مبسوطی در چند شماره با عنوان «تحقیق در باب دولت مشروطه و شرح حال منتسکیو» منتشر نمود؛ بنابراین، فروغی از همان آغاز انتشار تربیت، در شماره‌های مختلف آن از احترام و بزرگداشت فرهنگ و مدنیت فرانسه فروگذار نکرد و آخرین شماره‌های آن را نیز مزین به شرح حال منتسکیو و بیان آراء او در باب دولت مشروطه کرد. صفحات روزنامه تربیت در طول نه سال انتشار سراسر ستایش از فرهنگ و مدنیت فرانسه است. دو واژه «فرانسه» و «پاریس» در نمایه این روزنامه، از واژگان پربسامد است.

پیشی گرفتن فروغی پسر از فروغی پدر

محمدعلی فروغی معروف به ذکاءالملک، مترجم، معلم، روزنامه‌نگار، ادیب، نویسنده، منورالفکر، عضو شورای عالی معارف، رئیس فرهنگستان، رئیس مجلس، سیاست‌مدار، دیپلمات، نماینده مجلس، وزیر و نخست‌وزیر در ۱۸۷۷/۱۲۹۴ در تهران به دنیا آمد. او نخستین فرزند محمدحسین فروغی بود. از کودکی زیر نظر پدر آموزش دید. درباره پدرش می‌گوید: «پدرم الحق علم تربیت فرزند را به کمال دارا بود و من در عمر خود کسی ندیده‌ام که از رموز و دقائق تربیت اولاد به آن درجه آگاه باشد و من آنچه دارم بی‌شبهه از حسن تربیت او و آنچه ندارم از قصور طبیعی خودم یا نقص اسباب و وسایل است» (خواجهنوری، ۱۳۷۰: ۱۶۷). آموزش محمدعلی از پنج‌سالگی آغاز شد. او به کمک معلمان خصوصی تحصیلات قدیمه و نیز جدید را گذراند. مبادی زبان فارسی، عربی، فرانسوی و انگلیسی را آموخت و همچنین ریاضیات، فیزیک، شیمی و علوم طبیعی. پدرش به آموختن زبان فرانسوی اهمیت خاصی می‌داد (فروغی، ۱۳۹۶: ۲؛ واردی، ۱۳۹۱: ۵۸). زمانی که در ایران



فراگرفتن زبان انگلیسی رواج نداشت و مردم «همه متوجه زبان فرانسه بودند» محمدعلی با توصیه و تدبیر پدر یادگیری انگلیسی را نیز آغاز کرد؛ و اما انگیزه محمدعلی در آموختن زبان فرانسوی، هدیه‌ای بود که پدرش به او داد.^۱ این هدیه، کتاب نجوم کامیل فلاماریون بود.^۲ پدرش که ظاهراً خود این کتاب را خوانده بود، وی را جداً ترغیب کرد که آن را بخواند. محمدعلی که به نجوم علاقه زیادی داشت، زبان فرانسوی‌اش را با خواندن این کتاب پیشرفت داد.^۳ بعدها توانست کتاب‌های دیگر فلاماریون را بخواند و به گفته خودش از نوشته‌هایش عمیقاً تأثیر بگیرد (فروغی، ۱۳۹۶: ۳۶)^۴ چنان که در یادداشت‌های ۲۶ ذی‌حجه ۱۳۲۱/۱۴ مارس ۱۹۰۴ می‌نویسد: «من نوشتجات فلاماریون را خیلی خوانده‌ام و عقاید او را می‌دانم.» در ادامه با حسرت به دور شدنش از مطالعه آثار فلاماریون این‌گونه اشاره می‌کند: «اما حقیقتاً مدتی است از مطالعه کتب فلاماریون محروم مانده و از این کیفیت و عوالم و لذاذ معنوی و روحانی دور شده و در کار و شغل فرو رفته‌ام. خداوند توفیق رجوع به آن عوالم بدهد» (فروغی، ۱۳۸۸: ۱۸۵-۱۸۴).

محمدعلی در ۱۲ سالگی وارد دارالفنون شد. پس از گذراندن درس‌های مقدماتی تصمیم گرفت طب بخواند. بعد از دو سال، رشته طب را به عشق ادبیات و فلسفه رها کرد (فروغی، ۱۳۹۶: ۷۳). در مدرسه‌های آن زمان فلسفه‌های مشاء و اشراق را آموخت. هم‌زمان در یادگیری فرانسه و انگلیسی نیز پیش رفت و آثار برخی فیلسوفان اروپایی را خواند. موفقیت محمدعلی در یادگیری زبان راه او را به دارالترجمه و وزارت انطباعات، یعنی جایی که پدرش

۱. فروغی در بخشی از خاطرات خود می‌نویسد: «به یاد دارم صبح بهاری را که به خانه آمده مرا طلبید و گفت نازنین تحفه‌ای برایت آورده‌ام و آن کتاب نجوم کامیل فلاماریون بود.» (خاطرات فروغی، ص ۳۶).

2. Camille Flammarion, *Astronomie Populaire* Paris: C. Maipen, et E. Flammarion, 1905.

این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده‌است. با این مشخصات: *نجوم به زبان ساده*، ترجمه م. ا. تهرانی، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.

۳. فروغی از این شانس برخوردار بود که پسر یکی از استادان برجسته فرانسوی دارالفنون، مسیو ریشارخان، معلم زبان فرانسه او بود. (نک: خاطرات فروغی، ص ۷۲).

۴. فروغی درباره تأثیرپذیری‌اش از آثار فلاماریون می‌نویسد: «مطالعه آن کتاب و کتب دیگر فلاماریون در طبع من و تربیت فکر و ذوقم تأثیری به کمال داشته و رهین منت آن بزرگوارم و عجب اینکه تقریباً سی سال بعد در سفر اول به فرانسه رفتم و با فلاماریون آشنا شدم در یکی از جلسات انجمن نجومی فرانسه در پاریس که همین فلاماریون مؤسس آن بوده حضور یافت.» (همان: ۳۶).

مدیریت آن را برعهده داشت، باز کرد.

محمدعلی هفده‌ساله، جوان‌ترین کارمند دارالترجمه بود. هم‌زمان با کار ترجمه^۱، معلمی در مدرسه‌های ملی را آغاز کرد. تدریس زبان فرانسه، تاریخ و فیزیک را در چند مدرسه و تدریس تاریخ و حقوق بین‌الملل را در مدرسه سیاسی تجربه کرد. بعدها به معاونت پدرش در مدرسه سیاسی رسید و بعد از مرگ پدر در ۱۳۲۵/۱۹۰۷ ریاست مدرسه سیاسی را عهده‌دار شد و لقب پدر، ذکاءالملک، را دریافت کرد. در همین سال‌ها چند کتاب از زبان‌های فرانسه و انگلیسی به فارسی ترجمه کرد (واردی، ۱۳۹۱: ۶۱).^۲ همچنین نطقی با عنوان «نفوذ زبان‌های بیگانه در زبان فارسی» در مدرسه آلیانس فرانسه در تهران ایراد کرد.^۳ متن این سخنرانی بعدها در مجله کبود، مطبعه پاریس منتشر شد (فروغی، ۱۳۸۷: ۱۲۵/۱).

فروغی در یادداشت‌های روزانه‌اش که از ۲۶ شوال ۱۳۲۱ تا ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۲ را شامل می‌شود، بارها به مطالبی اشاره کرده که حاکی از شیفتگی او به زبان و فرهنگ فرانسه است. ازجمله در جایی می‌نویسد: «زبانی که امروز فرانسویان به آن سخن می‌گویند و می‌نویسند یکی از معتبرترین زبان‌های دنیاست» (فروغی، ۱۳۸۷: ۱۶۰/۱). وی چنین حس و علاقه‌ای را در یادداشت‌های روزانه سفر کنفرانس صلح پاریس نیز نشان می‌دهد.^۴

فروغی در ذکر خاطرات دوران جوانی خود به «شوق وافر» که به تحصیل علوم اروپایی^۵ داشته سخن گفته و در اشاره به نقش یوسف‌خان مؤدب‌الملک، پسر ریش‌خان، می‌نویسد: «همواره از او چگونگی درس مدارس فرانسه و مواد تحصیلات آن‌ها را استفسار می‌کردم. عاقبت کتابچه‌ای به من داد که مشتمل بر برنامه مدارس ابتدایی و متوسطه فرانسه بود و من با کمال اشتیاق مطالعه کردم و آنچه می‌خواستم به دستم آمد، ازجمله

۱. یکی از مشغله‌های فروغی ترجمه اخبار روزنامه‌های فرانسه درباره اوضاع و احوال کشورهای مختلف بود، (نک: بیانی، ۱۳۵۴: ۳۰۰-۳۹۹).

۲. فروغی در جایی از یادداشت‌های روزانه‌اش می‌نویسد: «... به مطالعه مشغول شدم. دو صفحه هم از کتاب تاریخ روم برای مدرسه سیاسی ترجمه کردم. هر صفحه بیست دقیقه طول کشید.» (فروغی، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

۳. درباره مدرسه آلیانس پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. ازجمله، نک: مظفری، پرستو و دیگران (۱۴۰۰)، ص ۱۶۶-۱۶۳ و اکبری، محمدعلی و حرابادی فراهانی، عاطفه (۱۳۹۴)، ص ۱۶-۱۳.

۴. نک: فروغی (۱۳۹۴)، یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس، صفحه‌های مختلف.

دانستم که در ادبیات فرانسه و انگلیسی چه می‌آموزند و به چه کتاب‌ها و آثار ادبی توجه دارند. آنگاه آن کتاب‌ها را به قدر مقدور فراهم و مطالعه نمودم و مایه آگاهی من از ادبیات فرانسه از آنجا به دست آمد و می‌توانم ادعا کنم که شیوه تحصیل زبان و ادبیات فرانسه را در ایران من تغییر دادم» (فروغی، ۱۳۹۶: ۷۴).

علاقه فروغی به زبان فرانسه و پیشرفت خوب او در یادگیری این زبان و نیز برخورد «تصادفی» با برخی کتاب‌های فرانسوی راه او را به سوی ادبیات فرانسه گشود و طولی نکشید که به تعبیر خودش «یکسره عاشق و شیفته ادبیات فرانسه شد» (همان، ۷۵). در جایی از خاطراتش می‌نویسد: «برحسب اتفاق، پدرم کتاب گرازیلای لامارتین داشت. وقتی از او پرسیدم این چه کتابی است، گفت قصه شیرینی است. پس همین که قوه فهم فرانسه پیدا کردم با وجود اینکه مقدار زیادی از اوایل آن کتاب وصف اماکن و چیزهایی است که ما ندیده بودیم و نمی‌فهمیدیم و کسل‌کننده بود، من به خواندنش اهتمام کردم و تأثیر غریبی از آن دیدم. از این گذشته داستانی که لامارتین از کتاب پل و ویرژینی در آنجا حکایت می‌کند مرا واداشت که آن قصه را به دست آورده بخوانم» (همان، ۷۵-۷۴).

یکی از دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های او در سال‌های جوانی ترجمه لغت‌نامه فرانسه به فارسی به اتفاق صدیق حضرت بود. در صفحه‌های مختلف یادداشت‌های خود به این امر اشاره می‌کند. محض نمونه: «بعد از درس با صدیق حضرت به پاک‌نویس کتاب لغت فرانسه به فارسی مشغول شدیم» (فروغی، ۱۳۸۸: ۲۷).^۱ در جایی به آرزویش برای خریدن *دائرةالمعارف کبیر لاروس* و عدم کفاف مالی اشاره می‌کند. (همان، ۴۲).

فروغی در جاهای مختلف یادداشت‌های خود به مطالعه آثار فیلسوفان فرانسه اشاره می‌کند. اشارات او حاکی از شیفتگی‌اش به درک آراء و اندیشه‌های فلاسفه فرانسوی است. می‌نویسد: «امروز ناظم‌العلوم کتابی مشتمل بر حالات فلاسفه فرانسوی مأیة [سده] نوزدهم از تین (Taine) داشت، امانت گرفتم. خوب کتابی است. در دیباچه او مطلبی دیدم که خیلی پسندیدم یعنی مطابق بود با عقیده شخصی خودم...» (همان، ۱۸۳). در جای دیگر به امانت

۱. و نیز ۴۸، ۵۱، ۵۷، ۵۸، ۶۴، ۷۰، ۷۶، فروغی در صفحه ۸۱ و ۸۲ به علت همکاری‌اش با صدیق حضرت در نوشتن لغت‌نامه اشاره کرده‌است.

گرفتن دو سه رساله لایبنتس، دکارت و مالبرانش از معتمدالممالک اشاره کرده‌است (همان، ۱۹۰). در جایی می‌نویسد: «رفتم حجره شیخ حسن. معتمدالممالک آنجا بود. قدری در باب کتاب‌های ویکتور هوگو که اعلان آن را در روزنامه دیده‌ام گفتگو کردیم. او گفت من یک دوره خواسته‌ام. کتاب فلسفه را که دیروز یک جلد آن را برده بودم، جلد دیگرش را هم برداشتم و آدم منزل» (همان، ۲۵۳). باز در جای دیگر از مطالعه انتقادی اثری به فرانسه در خداشناسی سخن به میان آورده می‌نویسد: «برحسب اتفاق کتاب Le Ge niedu Christianisme آنجا بود. دو صفحه از آن خواندیم. خوب نوشته‌است، اگرچه اشتباهاتی هم دارد» (همان، ۲۶۱).

از یادداشت‌های فروغی چنین برمی‌آید که یکی از دل‌مشغولی‌های دائمی او خرید کتاب به‌ویژه کتاب‌های فرانسوی بوده‌است. بارها به این مسئله اشاره کرده‌است. از جمله: «عمده مانع من از پول جمع کردن خرید کتاب است که در من مرض است و نمی‌توانم جلوی آن را بگیرم» (همان، ۳۶۲ و نیز ۱۲۱ و ۱۲۶) و باز در جای دیگر می‌نویسد: «رفتم حجره آقا شیخ حسن... یک کتاب نقشه Vidal Lablache حجره آقا شیخ حسن بود دادم ببرد منزل. چون خوب کتابی است احتمال دارد آن را برداریم» (همان، ۳۵۷). یکی از دل‌مشغولی‌های فروغی در سفر به فرانسه نیز خرید کتاب برای خودش و دیگران بود. در ۵ ذی‌حجه ۱۳۳۸ به برادرش می‌نویسد: «کتاب‌هایی که برای مستشارالدوله خواسته بودند خریده‌ام و اگر کتاب‌های خودم را توانستم حمل کنم آن‌ها را هم می‌آورم.» (فروغی، ۱۴۰۱: ۱۱۸).

زندگی فروغی در سال‌های مقارن با پیروزی مشروطه یکسره صرف مطالعه، تدریس و تدوین آثار می‌شد. بعد از درگذشت پدر در ۱۳۲۵/۱۹۰۷ ریاست مدرسه سیاسی را برعهده گرفت. هم‌زمان وارد عرصه سیاسی شد. به نظر می‌رسد فعالیت‌های سیاسی او از ۱۳۲۵/۱۹۰۷ و با عضویت در جامع آدمیت آغاز شده باشد. البته فعالیت‌های این جامعه بعد از بمباران مجلس در ۱۳۲۷/۱۹۰۹ و نیز مرگ نظریه‌پرداز آن، ملکم خان، متوقف شد (واردی، ۱۳۹۱: ۶۲).

فروغی مدت کوتاهی پس از توقف فعالیت‌های جامع آدمیت، همراه با شمار دیگری از ایرانیان و فرانسویان مقیم تهران، نخستین لژ رسمی فراماسونری را در ایران در

۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۶/۲۴ آوریل ۱۹۰۸ تشکیل داد. این لژ به گراند اریال فرانسه وابسته بود. مسیو ویزیور، رئیس مدرسه فرانسوی اتحاد در تهران، دکتر مُرل فرانسوی، پزشک دربار، و تنی چند از منورالفکران ایرانی از جمله اعضای کرسی لژ یا نخستین اداره‌کنندگان آن بودند (رائین، ۱۳۵۷: ۹/۲؛ واردی، ۱۳۹۱: ۶۳). مرکز فعالیت‌های لژ بیداری، خانه ظهیرالدوله بود. بعد از بمباران مجلس، این خانه به دستور محمدعلی شاه ویران شد، اما پیش از خرابی خانه، اسناد آن به سفارت فرانسه منتقل شد.^۱ عمر لژ بیداری با کودتای محمدعلی شاه پایان نیافت، اعضای آن نقش مؤثری در بسیج ایرانیان برضد حکومت خودکامه ایفا کردند. نفوذ لژ بر اعضای بختیاری خود بسیار مؤثر واقع شد (واردی، ۱۳۹۱: ۶۴). پس از پیروزی مشروطه دوم و تشکیل مجلس دوم، از شانزده نماینده انتخابی تهران (از جمله فروغی) سیزده تن از اعضای لژ بیداری بودند (رائین، ۱۳۵۷: ۱۸۳/۲).

به سبب سرشت پنهانی تشکیلات فراماسونری، درباره فعالیت‌های فروغی در این لژ، یا لژ به طور کلی، اطلاع زیادی در دست نیست. البته می‌دانیم که فروغی در ۱۳۲۷/۹/۱۹ مرتبه استادی اعظم و خطیب (سخن‌گویی) لژ را داشت و بنابراین از اعضای برجسته آن بود و نیز می‌دانیم که فروغی و دو فراماسون دیگر عضو لژ بیداری، قانون اساسی گراند اریال فرانسه را در ۱۳۳۰ به فارسی ترجمه کردند.^۲

فروغی با ورود به مجلس دوم در ۱۳۲۷/۹/۱۹ عملاً وارد عرصه سیاسی شد و تا زمان درگذشت در ۱۳۲۱/۱۹۴۳ پیوسته و البته با کناره‌گیری‌های مقطعی، در عرصه‌های مختلف سیاسی نقش‌آفرینی کرد. در طول این سال‌ها دو بار راهی فرانسه شد. نخست در ۱۳۳۷/۹/۱۹ برای شرکت در کنفرانس صلح ورسای. مدت اقامت هیئت ایرانی در پاریس نزدیک به دو سال شد.^۳ فروغی در این مدت چند سخنرانی در فرانسه و آلمان ایراد کرد و

۱. انتقال اسناد لژ به سفارت فرانسه، با همکاری میرزا محمدخان (بعداً معروف به محمد جم) عملی شد که در آن زمان به عنوان منشی در استخدام سفارت فرانسه بود. (رائین، همان: ۱۴۶؛ واردی: ۱۱۹).

۲. نسخه‌ای از این ترجمه در کتاب رائین (ج ۲، ص ۲۹۴-۲۹۹) آمده است.

۳. یادداشت‌های این سفر منتشر شده است. فروغی در جایی از این یادداشت‌ها به توانایی خود در سخن گفتن به زبان فرانسه چنین اشاره می‌کند: «هرکس مرا می‌بیند از فرانسه حرف زدن من تعریف می‌کند و اعجاب.» (نک: یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس، ص ۱۷۲).

نیز مقدمات استخدام چند معلم فرانسوی برای خدمت در وزارت معارف را فراهم کرد (فروغی، ۱۳۹۶: ۳۰۶). فروغی برای بار دوم در ۱۳۰۶ ش. راهی فرانسه شد. هدف او از این سفر، بردن جواد و محسن (پسرهای بزرگش) به پاریس برای ادامه تحصیلات آن‌ها بود. فروغی در پاریس با دوست دیرینش محمد قزوینی دیدار و سرپرستی امور دو پسرش را در طول مدت تحصیلات در فرانسه به او محول کرد (همان، ۸۴-۸۳).

محمدعلی فروغی و نشر فرهنگ فرانسه

فعالیت فروغی در عرصه نویسندگی به سه دوره تقسیم می‌شود:

۱. از ۱۳۱۱ ق. تا ۱۸۹۳ ق. تا ۱۳۲۷ ق. ۱۹۰۹، سال‌هایی که در دارالترجمه، وزارت انطباعات و مدرسه سیاسی فعالیت می‌کرد.

۲. از ۱۳۲۷ ق. تا ۱۹۰۹ ق. تا ۱۳۱۴ ش. ۱۹۳۶، دوره نمایندگی مجلس و کناره‌گیری از سیاست.

۳. از ۱۳۱۵ ش. تا ۱۹۳۷ ق. تا ۱۳۲۰ ش. ۱۹۴۲، دوره بازنشستگی اجباری و بازگشت به سیاست در ۱۳۲۰/۱۹۴۲.

بیشتر کارهای مربوط به دوره او معطوف به سه زمینه است: تدوین کتاب‌های تاریخی، درس‌نامه‌ها و ترجمه داستان‌ها. در هر سه زمینه و مبنای کار او بیشتر بر آثاری فرانسوی و گاه انگلیسی بود. از جمله ترجمه تاریخ سلاطین ساسانی، اثر جرج رالینسن انگلیسی، ترجمه تاریخ اسکندر کبیر، از نویسنده ناشناخته فرانسوی (فروغی، ۱۳۸۷: ۲۴۴-۲۴۵). فروغی در دوره معلمی‌اش (۱۳۱۶-۱۸۹۹/۱۳۲۷-۱۹۰۹) درس‌نامه‌هایی برای مدارس ابتدایی، متوسطه و عالی تألیف و ترجمه کرد. از جمله تاریخ مختصر دولت قدیم روم، اثر مشهور شارل سینیوبو.^۱ فروغی برای مدرسه سیاسی هم دو درس‌نامه فراهم کرد. نخست، ترجمه‌ای از کتاب دیگر سینیوبو بود^۲ که با عنوان فارسی تاریخ ملل قدیمه مشرق، در ۱۳۱۸ ق. ۱۹۰۱ انتشار یافت (فروغی، ۱۳۸۷: ۱۳۱/۲؛ افشار/همایون پور، ۱۳۸۹: ۲۷۱؛ فروغی، ۱۳۸۷:

1. Charles Seignobos, Antiquite Romain et Pre Moyen Age (Paris: Colin, 1907)

2. Charles Seignobos, Histoire Narrative et Descriptive ds Anciens Peuple de l'Orient (Paris: Colin, 1980).

۱۳۱/۲).^۱ کتاب دوم، ترجمه‌ای از درس‌نامه‌ای فرانسوی درباره اقتصاد سیاسی از بورگار بود.^۲ این کتاب با عنوان فارسی *اصول علم ثروت ملل، یا اکونومی پلتیک* در ۱۳۲۳ ق. / ۱۹۰۶ منتشر شد و نخستین کتاب فارسی درباره این موضوع بود^۳ و تا دهه‌ها تنها کتاب در این باره باقی ماند (واردی، ۱۳۹۱: ۱۳۶). آدمیت ضمن بررسی این اثر، درباره ارزش آن می‌نویسد: «این کتاب که هفتاد سال از زمان انتشارش می‌گذرد، شیرین و خواندنی است.» (آدمیت، ۲۵۳۵: ۲۸۲) فروغی خود درباره ترجمه این کتاب می‌گوید: «اول کتابی هم که در علم ثروت به زبان فارسی نوشته شد آن است که من برای دانش‌آموزان همین آموزشگاه [دانشکده حقوق و علوم سیاسی] از فرانسه ترجمه کردم و خبر هم ندارم که این اول کتاب دویمی پیدا کرده باشد.»^۴

فروغی از ۱۳۲۲ ق. / ۱۹۰۴ تا ۱۳۲۶ ق. / ۱۹۰۸ سه داستان از نویسندگان فرانسوی (دو مورد) و انگلیسی (یک مورد) به فارسی ترجمه کرد: نخست *کلبه هندی*، به قلم برناردین دُسن پیر^۵ که در ۱۳۲۲ ق. / ۱۹۰۴ منتشر شد؛ دوم، ترجمه فارسی کتابی از شاتوبریان^۶ با

۱. بعد از انتشار این کتاب، «اعلان» آن در *روزنامه تربیت* با عنوان «تاریخ ایران برای مکاتب و مدارس» منتشر شد که محتوای آن جالب و خواندنی است. فروغی پدر در قسمتی از این «اعلان» می‌نویسد: «تاریخ، یکی از علوم است که باید متعلم بالضروره در مدرسه پیش معلم بخواند و تاریخی که برای تدریس تألیف می‌شود وضع مخصوص دارد. دانستن تاریخ وطن برای ملت واجب‌تر است و اگر بخواهیم این مطلب را شرح دهیم طولانی می‌شود. این بنده قریب سی سال است تهیه این کار را می‌بینم و بارها دست به کار شده و از جهتی در میان راه مانده تا به خواست خدا بنده‌زاده محمدعلی در عالم تحصیل معانی بلند حاصل نموده و السنه فرانسه و انگلیسی را که در این عمل مدخلیت کلی دارد با تتبع و اطلاعات دیگر کامل کرد و کتب لازمه هم به هر زبان جمع شد و برای شرکت مطبوعات دست به این کار زدیم یعنی از پانزده شانزده ماه قبل فرزندی مشغول تألیف شده و بنده عبارت و انشا را کمک کردم و به فضل‌الله عمده کار صورت گرفت [...] برای معرفی کتاب همین‌قدر می‌گویم که اگر در لندن و پاریس هم معلمین علم تاریخ این کتاب را تألیف می‌کردند، همین‌طور تألیف می‌کردند.» (نک: تربیت، ش ۲۰۲، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۱۸، ۸۱۲).

2. Paul Beauregard, Elements d'economie Politique: a l'usage des etudiants en droit des eleves des ecoles de Commerce (Paris: Laroze&Forcel, 1889).

۳. البته نخستین کتابی که در این زمینه منتشر شد، چرا که در ۱۳۰۰ ق. کتاب «کنمی پوتیک» اثر نامدار سیموند دوسیسموندی از سوی ریشارخان فرانسوی با انشای محمدحسن شیرازی ترجمه شده اما منتشر نشده بود (نک: آدمیت، ۲۵۳۵، ۲۷۱).

۴. سخنرانی فروغی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی که در نشریه «تعلیم و تربیت» به تاریخ دی‌ماه ۱۳۱۵ منتشر شده‌است (به نقل از پهلوان، ص ۳۳۰؛ و نیز *مقالات فروغی*، ج ۲، ص ۲۲۴-۲۲۵).

5. Bernardine de Saint-Pierre, Pqul et Virgine Suivi de "La Chumiere Indienne", Nouvelle edition (Paris: Librairie Garnier Fries, n.d.)

6. Francois-Rene Chateaubriand, Les martyrs et le Demier des abemcerages (Paris: Librairie Hachette et Cie, 1905)

عنوان عشق و عفت؛ سوم، داستان بوسه و عذرا، یا بت روئین از جرج رینولدز.^۱ هر سه داستان ابتدا به‌صورت پاورقی در روزنامه تربیت منتشر شد (واردی، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

فروغی در ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷ کوتاه زمانی پس از توشیح قانون اساسی از سوی مظفرالدین شاه، یکی از مهم‌ترین کارهایش با عنوان حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول، را انتشار داد. این رساله به اشاره فروغی پدر و با مقدمه او به قلم فروغی پسر تألیف شد. این رساله درست در ادامه همان مطالبی بود که فروغی پدر در آخرین شماره‌های روزنامه تربیت در باب دولت مشروطه و آراء منتسکیو منتشر کرده بود. رساله مزبور در اصل برای تدریس در مدرسه سیاسی به نگارش درآمده بود. این اثر با آنکه نخستین نوشته از این دست است، نثری روان و خواندنی دارد. اصطلاحاتی که در این کتاب آمده در شمار نخستین کوشش‌ها برای واژه‌گزینی جدید به حساب می‌آید. مطالعه کتاب حقوق اساسی از دید برابرنهاده‌های عصر جدید نیز درخور توجه است (پهلوان، ۱۳۸۲: ۱۵). در جای‌جای این رساله، تعبیر و اصطلاحاتی به زبان فرانسه آمده و نویسنده از عهده معادل‌گذاری قابل‌فهم و درست به‌خوبی برآمده‌است. این نیست مگر تسلط و شناختی که فروغی به زبان و فرهنگ فرانسه داشت. او در جایی درباره برابرنهاده اصطلاح کلیدی "droit" فرانسه می‌نویسد: «حقوق از اصطلاحاتی است که در زمان ما تازه است و شاید بتوان گفت که تقریباً از همان زمان که مدرسه علوم سیاسی تأسیس شد این اصطلاح هم رایج گردید و آن به تقلید و اقتباس از فرانسویان درست شده‌است و در همه ممالک اروپا برای این معنی این قسم اصطلاح ندارند. فرانسویان مجموع قوانین و مقررات الزامی را که بر روابط اجتماعی مردم حاکم است، "droit" می‌گویند و ما چون این کلمه را «حق» ترجمه کرده بودیم، لفظ جمع آن را گرفته برای آن معنی اصطلاح کردیم» (همان: ۱۰۷ و ۳۲۲).^۲ از محتوای این رساله به‌خوبی پیداست که مفاهیم و اندیشه‌های طرح‌شده از آن نویسنده نیست، بلکه برگرفته از منابع فرانسوی است. با این حال، در زمره نخستین تلاش‌های منورالفکران ایرانی عصر مشروطه

1. George W.M.Reynolds, The Bronze Statue, or the Virgin's Kiss (London: n.p., n.d.)

۲. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به سخنرانی فروغی با عنوان «حقوق در ایران» (مندرج در سیاست‌نامه ذکاءالملک، ص ۲۷۲).

برای آشنا ساختن ایرانیان با نظام‌های مشروطه است.^۱

کارهای علمی و نویسندگی فروغی در یک دوره بیست و پنج ساله (۱۳۲۷ ق. / ۱۹۰۹- ۱۳۱۴ ش. / ۱۹۳۶) به دلیل اشتغال دائمی او به کارهای اجرایی و سیاسی به شدت افت کرد. با این حال، در همین دوره نیز اثر مهمی در موضوع فلسفه منتشر نمود. از جمله نخستین اثر فلسفی‌اش را با عنوان حکمت سقراط به قلم افلاطون، بر پایه منابع فرانسوی در ۱۲۹۸ ش. / ۱۹۲۰ ترجمه و منتشر نمود.^۲

پربارترین دوران حیات علمی فروغی هم‌زمان بود با سال‌های خانه‌نشینی یعنی از ۱۳۱۴/۱۹۳۶ تا ۱۳۲۰/۱۹۴۲ بود. در ۱۳۱۶ نخستین جلد از کتاب دوجلدی حکمت سقراط و افلاطون را انتشار داد. می‌نویسد: «... در تابستان این سال... فراغتی داشتم سه رساله از آن رسایل شریفه را که در شرح محاکمه سقراط، استاد محبوب افلاطون، و متضمن فواید بسیار است از ترجمه‌های معتبر فرانسوی به فارسی آوردم و مقدمه‌ای بر آن افزودم.» (فروغی، ۱۳۸۷: ۱۹۳/۲) جلد دوم این اثر یک سال بعد از مرگش توسط حبیب یغمایی منتشر شد. فروغی قصد داشت مجموعه آثار سقراط و افلاطون را به فارسی ترجمه کند، اما مرگ او مانع از این کار شد (واردی، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

و اما مهم‌ترین اثر فلسفی فروغی، اثری ماندگار به نام سیر حکمت در اروپا است که در سه جلد از سال ۱۳۱۷/۱۹۳۸ تا ۱۳۱۹/۱۹۴۱ منتشر شد. فروغی چنان‌که خود می‌گوید مقدم بر این کار، رساله‌ای از فیلسوف مشهور فرانسه، دکارت، با عنوان گفتار در روش راه بردن عقل/کلام دکارت را ترجمه و منتشر کرده بود. فروغی پس از ترجمه رساله دکارت دریافت که تنها با این اثر نمی‌توان فلسفه اروپا را به خوانندگان ایرانی معرفی کرد. پس درصدد برآمد تا فلسفه غرب را از یونان باستان آغاز و تا سده بیستم ادامه دهد. سیر حکمت در اروپا درست از زمان انتشار تأثیر زیادی در گرایش اهل علم به شناخت فلسفه غرب گذاشت.

۱. این اثر در سال‌های اخیر چندین بار بازچاپ شده است. از جمله پهلوان متن کامل آن را در کتاب ریشه‌های تجدید (ص ۱۱۱-۱۹۴). آورده است. علی اصغر حقدار نیز آن را به صورت مستقل منتشر کرده است. در سیاست‌نامه ذکا/الملک نیز منتشر شده است (ص ۶-۶۲).

۲. فروغی در نگارش خطابه‌های این اثر از چندین ترجمه فرانسوی به عنوان منابع استفاده کرده است (نک: واردی، ۱۳۹۱: ۱۳۹ و ۱۶۲).

تقریباً بیشتر جوانانی که با کتاب و مطالعه سروکار داشتند، این اثر را مطالعه می‌کردند و از آن تأثیر می‌پذیرفتند. چنان‌که مرحوم زرین‌کوب در یادداشت‌های دوران جوانی خود از تأثیر عمیق این اثر در ایجاد عشق به مطالعه فلسفه سخن گفته‌است.^۱

فروغی در ۱۹۳۷/۱۳۱۶ سه نمایش‌نامه از نمایش‌نامه‌نویس فرانسوی، مولیر، ترجمه کرد. این کتاب شامل مقدمه‌ای است به قلم محمود فروغی، کوچک‌ترین پسر، درباره زندگی مولیر (واردی، ۱۳۹۱: ۱۳۵۷).

از فروغی ظاهراً آثار منتشرنشده نیز باقی مانده‌است. از جمله کتاب *شجره اترک*، تألیف ابوالغازی بهادرخان که اصل آن به ترکی بوده و در اروپا با ترجمه آلمانی آن چاپ شده و در ۱۷۲۶ هم ترجمه فرانسوی آن منتشر شده‌است. فروغی از روی ترجمه فرانسه، به فارسی برگردانده‌است (همان، ۱۶۰).^۲

چیزی که در زندگی و کارنامه فروغی از دوران نوجوانی تا آخرین روزهای زندگی بسیار بارز و چشمگیر است، تلاش‌های علمی و فرهنگی اوست. آنچه در این کارنامه پربار بسیار به چشم می‌خورد، تلاش‌هایی است که او برای نشر و اشاعه فرهنگ و معارف فرانسه در ایران به کار بست. فروغی پدر و پسر، هر دو بی‌آنکه فرانسه را دیده باشند،^۳ تنها از راه مطالعه و تحقیق، از کم و کیف فرهنگ و مدنیت فرانسه آگاهی یافته و سخت بدان دل‌بسته شده بودند. هر دو با تألیف، ترجمه و انتشار آثار متعدد سهم مهمی در اشاعه فرهنگ فرانسه در ایران داشتند. به تعبیر چنگیز پهلوان، محمدحسین فروغی و دو پسرش، محمدعلی و ابوالحسن،^۴ به‌ویژه محمدعلی در یک دوره تاریخی بر اندیشه بسیاری از جوانان کشور ما تأثیر گذاشته‌اند و هرگونه بررسی فرهنگی واقع‌بینانه‌ای باید با رجوع به آثار آنان انجام پذیرد نه بر اساس پیش‌داوری ما (افشار، ۱۳۵۴: ۲۸). مینوی می‌نویسد: «خلاصه اینکه تمام دوره درس خواندن و نشو و نما با تألیفات فروغی‌ها و اسم خاندان فروغی به هم پیچیده

۱. نک: «یادداشت‌های روزانه دکتر زرین‌کوب»، بخارا، ش ۱۰۱، مرداد- شهریور، ۱۳۹۲، ص ۴۲۰.

۲. و نیز سخنان مینوی درباره فروغی، در افشار، ۱۳۵۴، ۳۲.

۳. فروغی پسر، نخستین بار در ۴۳ سالگی در سال ۱۹۱۹/۱۳۳۷ برای شرکت در کنفرانس صلح ورسای به فرانسه سفر کرد.

۴. در جستاری در دست‌نشر به زندگی، آثار و تأثیرات ابوالحسن فروغی پرداخته‌ایم.

بود» (پهلوان، ۱۳۸۲: ۱۰۱-۱۰۲).

فرزندان فروغی و نشر فرهنگ فرانسه

فروغی سه تن از فرزندان خود را برای تحصیل به اروپا فرستاد. جواد، فرزند ارشد، در سوئیس علم سیاست آموخت و وارد وزارت امور خارجه شد. در ۱۳۳۵/۱۹۵۶ درحالی که وزیرمختار ایران در سوئیس بود درگذشت. مسعود نیز پس از تحصیل در اروپا به ایران بازگشت و در مشاغل و مناصب مهم دولتی کار کرد. محمود تنها پسر فروغی است که تحصیلات خود را در ایران به سرانجام رساند. او نیز وارد وزارت خارجه شد و چند بار به مقام سفارت در کشورهای مختلف رسید. بیش از برادرانش از فضل و دانش پدر بهره برد. به ویژه در دوران شش ساله خانه نشینی پدر به آموختن فلسفه روی آورد و به تحقیق و تتبع در متون فارسی پرداخت. به چند زبان مسلط بود. از جمله کتابی از زبان پرتغالی به فارسی ترجمه کرد (عاقلی، ۱۳۸۰: ۲ / ۱۱۲۰-۱۱۲۱). وی بعد از انقلاب راهی آمریکا شد و به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه جورج تاون به تدریس در آن دانشگاه پرداخت و در ۷۷ سالگی درگذشت.

محسن فروغی: دانش آموخته مدرسه بوزار و خالق آثار معماری ماندگار

محسن فروغی، دومین فرزند محمدعلی فروغی، در ۱۲۸۶ ش. / ۱۹۰۷ زاده شد. پس از تحصیلات مقدماتی به دارالمعلمین مرکزی وارد شد. هفت سال در آنجا تحصیل کرد. در اوایل ۱۳۰۶ ش. برای ادامه تحصیلات راهی فرانسه شد. ابتدا در رشته ریاضیات ثبت نام کرد، سپس وارد مدرسه بوزار^۱ در پاریس شد^۲ و در ۱۳۱۳ ش. در رشته معماری از این مدرسه فارغ التحصیل شد. چندی در پاریس نزد استادان خود کارآموزی کرد و سرانجام در

۱. مدرسه یا دانشسرای عالی هنرهای زیبای بوزار در سال ۱۶۴۸ توسط نقاش مشهور دربار لویی چهاردهم، شارل لیرون، تأسیس شد. این مدرسه ابتدا به صورت آکادمی نقاشی و تندیس سازی به فعالیت پرداخت. در سال ۱۷۹۵ رشته معماری نیز به دو رشته قبلی اضافه شد و نام مدرسه به آکادمی هنرهای زیبا (به فرانسه: بوزار) تغییر یافت. (درباره پیشینه درخشان این مدرسه به نام ویژه دانش آموختگان ایرانی آن در صفحات مجازی اطلاعات زیادی وجود دارد).

۲. درباره اعزام دانشجویان به اروپا به ویژه فرانسه، (نک: قدیمی قیداری و شوهانی، ۱۴۰۱: ۹۶-۹۳).

۱۳۱۷/۱۹۳۸ به ایران بازگشت.^۱ ابتدا در دانشسرای عالی و بعد در دانشکده فنی به تدریس تاریخ هنر و معماری پرداخت. در ۱۳۱۹/۱۹۴۰ با همکاری آندره گدار، دانشکده معماری و هنرهای زیبای دانشگاه تهران را تأسیس نمود. علاوه بر آن، کارهای معماری دیگری نیز انجام داد. از جمله بنای دانشکده حقوق تهران با همکاری ماکسیم سیرو که بعداً از طرح این دانشکده برای ساخت دانشکده ادبیات نیز استفاده شد، ساختمان وزارت دارایی، شرکت تعاونی دولتی، آرامگاه رضاشاه، آرامگاه سعدی، آرامگاه باباطاهر، شعبه بانک مرکزی در اصفهان، شیراز و تبریز و خوابگاه دانشجویان در فرانسه با همکاری کلود پاران، آندره بلوک و...، ساختمان مجلس سنا با همکاری آندره بلوک و...، (بانی مسعود، ۱۳۹۱: ۲۴۸-۲۴۹).

محسن فروغی معمار مدرنیستی بود که به تاریخ و پیشینه فرهنگی ایران عشق می‌ورزید. او بر این عقیده بود که رابطه ساختمان‌ها را از نظر سبک و شکل می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: رابطه ظاهری و رابطه حقیقی. او در خصوص این موضوع و به‌ویژه در پیوند با معماری ساسانی و هخامنشی در چند مقاله به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌است (همان، ۲۴۹).

نتیجه

در تاریخ ایران دوران معاصر، خاندان‌های مختلفی در عرصه حکمرانی نقش‌آفرینی کرده‌اند. بیشتر این خاندان‌های حکومتگر تنها در عرصه سیاسی ایفاگر نقش بودند و تنها اندکی از آن‌ها به‌جز سیاست در عرصه دانش و فرهنگ نیز نقش داشتند. خاندان فروغی یکی از مشهورترین خاندان‌های حکومتگر ایران است که در دهه‌های متمادی از دوره ناصری تا دوره محمدرضا شاه در عرصه‌های سیاسی، علمی و فرهنگی نقش‌آفرینی کردند. نقطه اوج فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی این خاندان، از اواخر دوره ناصری تا پایان سلطنت رضاشاه است. در این دوران، ذکاءالملک فروغی و دو تن از فرزندان او، محمدعلی و ابوالحسن، از نوجوانی تا پایان عمر، بی‌وقفه در عرصه‌های سیاسی، علمی و فرهنگی

۱. فروغی در دوران تحصیل در پاریس همسر فرانسوی اختیار کرد. به‌جز اشتغال به کارهای علمی، عهده‌دار مسئولیت‌های سیاسی نیز شد. از جمله نمایندگی مجلس و نمایندگی سنا و نیز مدت کوتاهی وزارت فرهنگ در دولت شریف امامی در سال ۱۳۵۷ بعد از انقلاب دستگیر و زندانی شد. چند سال بعد آزاد و راهی آمریکا شد.

کوشیدند. با این همه، در خاندان فروغی، جایگاه محمدعلی فروغی بسیار ممتاز و برجسته است. آثار به جامانده از فروغی‌ها مؤید آن است که آن‌ها با دل‌بستگی عمیق به ایران، نسبت به عقب‌ماندگی این سرزمین از غافله تمدن جدید بسیار اندیشناک بودند و به سهم خود تلاش کردند تا راه ایران به سوی ترقی و تجدد را هموار کنند. چون فرانسه را مهد علم و تمدن جدید می‌دانستند، از راه‌های مختلف به نشر و گسترش فرهنگ فرانسه در ایران همت گماشتند. از طرفی، فروغی‌ها با شناخت عمیق و دقیقی که از تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین داشتند و برای احیای آن سعی وافر به خرج دادند. برای آن‌ها تجدد در کنار سنت معنا داشت. آن‌ها با مطالعه و شناخت فرهنگ و تمدن فرانسه، اگرچه تحت‌تأثیر آن قرار گرفتند و درصدد نشر فرهنگ و مدنیت فرانسه در ایران برآمدند، اما هیچ‌گاه دست از سنت نکشیدند و تا جایی که توانستند در احیای آن کوشیدند. فروغی‌ها تأثیر ماندگار بر جامعه و نخبگان دوران خود گذاشتند تا جایی که مینوی می‌نویسد: «...تمام دوره درس خواندن و نشوونمای ما با تألیفات فروغی‌ها و اسم خاندان فروغی به هم پیچیده بود.»

منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

- افشار، ایرج (۱۳۵۴). *سخنانی درباره فروغی: خطابه‌های ایرادشده در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران در آذر ۱۳۵۰*، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- افشار، ایرج و همایون‌پور، هرمز (۱۳۸۹). *سیاست‌نامه ذکاءالملک (مقاله‌ها، نامه‌ها، و سخنرانی‌های سیاسی)*، تهران: کتاب روشن.
- آدمیت، فریدون (۲۵۳۵). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، تهران: پیام.
- آذری شهررضایی، رضا (۱۳۸۲). *نگاهی به روابط فرهنگی ایران و فرانسه*، تهران: وزارت امور خارجه.
- بامداد، مهدی (۱۳۵۷). *شرح حال رجال ایران*، تهران: زوار.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۹۱). *معماری معاصر ایران*، تهران: هنر معماری قرن.
- بیانی، خانبابا (۱۳۵۴). *فهرست بخشی از اسناد و عهدنامه‌ها و سفرنامه‌ها و رساله‌های دوره قاجاریه*، نشریه شماره ۲ مرکز بررسی و تنظیم اسناد وزارت خارجه، تهران: وزارت خارجه.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۹۷). *سیرت فروغی*، تهران: ماهریس.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۲). *ریشه‌های تجدد*، تهران: قطره.
- خواجه‌نوری، ابراهیم (۱۳۷۰). *میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک، مندرج در مشاهیر رجال*، به کوشش باقر عاقلی، تهران: گفتار.
- راثین، اسماعیل (۱۳۵۷). *فراموشخانه و فراماسونری در ایران*، تهران: امیرکبیر.
- *روزنامه تربیت (۱۳۷۶/۱۳۷۷)*. ۳ جلد، با مقدمه سید فرید قاسمی، تهران: کتابخانه ملی و سازمان پژوهش.
- صدیق، عیسی (۱۳۳۸). *یادگار عمر*، ۲ جلد، تهران: شرکت سهامی طبع کتاب.

- عاقلی، باقر (۱۳۸۰). *شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران*، تهران: گفتار/علم.
- فروغی، ابوالحسن (۱۳۹۶). *عدالت و آزادی (مجموعه مقالات میرزا ابوالحسن فروغی)*، به کوشش عباس قدیمی قیداری و علی اصغر چاهیان بروجنی، تهران: علم.
- فروغی، محمدحسین (۱۳۲۱ ق.). *دستور حکومت (ترجمه عهدنامه مالک اشتر)*، چاپ سنگی.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۹۶). *خاطرات محمدعلی فروغی به همراه یادداشت‌های روزانه از سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۳۰*، به کوشش محمد افشین‌وفایی و پژمان فیروزبخش، به خواستاری ایرج افشار، تهران: سخن.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۸۷). *مقالات فروغی*، ۲ جلد، تهران: توس.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۸۸). *یادداشت‌های روزانه از محمدعلی فروغی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: مجلس.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۹۴). *یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس (دسامبر ۱۹۱۸ - اوت ۱۹۲۰)*، به کوشش محمد افشین‌وفایی و پژمان فیروزبخش، تهران: سخن.
- فروغی، محمدعلی (۱۴۰۱). *نامه‌های محمدعلی فروغی*، به کوشش محمد افشین‌وفایی، مهدی فیروزیان، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- فروغی، محمود (۱۳۸۷). *متن کامل خاطرات محمود فروغی*، به کوشش حبیب لاجوردی، تهران: صفحه سفید.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- میرزا سراج‌الدین حاجی میرزا عبدالرئوف (۱۳۶۹). *سفرنامه تحف اهل بخارا*، مقدم: محمد اسدیان، تهران: بوعلی.
- ناطق، هما (۱۳۸۰). *کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران (۱۹۲۱-۱۸۳۷)*، تهران: معاصرپژوهان.
- واردی، احمد (۱۳۹۱). *زندگی و زمانه محمدعلی فروغی*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: نامک.

ب) مقاله‌ها

- اکبری، محمدعلی و حرآبادی فراهانی، عاطفه (۱۳۹۴). «وضعیت آموزش زبان اقلیت‌های دینی در مدارس آن‌ها در عصر پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰ش)»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۶(۱۱)، ۱۹-۱.
- افشار، ایرج (۱۳۸۷). «یادداشت‌های خصوصی محمدعلی فروغی از روزگار بیست و شش‌سالگی»، *پیام بهارستان*، ۲(۲۰۱)، ۳۹-۲۶.
- قدیمی قیداری، عباس و شوهانی، اصغر (۱۴۰۱). «تربیت مورخ یا تربیت‌معلم: اعزام دانشجویان رشته تاریخ و جغرافیا به اروپا (۱۳۰۷-۱۳۱۲خ)؛ انگیزه‌ها، سازوکارها و نتایج»، *تاریخ ایران*، ۱۵(۲)، ۱۱۱-۸۳.
- مظفری، پرستو و رحمتی، محسن و ثواقب، جهانبخش (۱۴۰۰). «شکل‌گیری مدارس در سنج در اواخر عهد قاجار (۱۳۱۰-۱۳۳۱ق)؛ کارکردها و واکنش‌ها»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۲(۲۹)، ۱۵۳-۱۸۴.
- نجم‌آبادی، محمود (۱۳۷۲)، «میرزا ابوالحسن خان فروغی»، *آینده*، ۱۹، (۱-۳)، ۶۸-۵۸.

روزنامه

- یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۸۳). «پیشگام روشنفکری دینی: نگاهی به زندگی و اندیشه زنده‌یاد میرزا ابوالحسن خان فروغی»، *روزنامه شرق*، (۲۲ دی).
- دهخدا، میرزا علی‌اکبر و *صوراسرافیل*، میرزا جهانگیرخان (۱۳۶۱). *صوراسرافیل (۱۳۲۷-۱۳۳۵ق)*، تهران: رودکی.